في معرفة الحسن ع

الاسم	الحسن	کنیت	ابو محمد	اللقب	العسکری
مکان ولادت	المدینة	روز و شهر و سال تولد	روز دوشنبه ۴ ربیع الثانی ۲۳۲ از هجرت	مدت عمر	۲۸ سال
مدت امامت	شش سال	ایام و شهر و سنه وفات	روز جمعه ۸ ربیع الاول ۲۶۰ از هجرت	پدرش	امام علی النقی
مادرش	سمیه ام ولد	عدد اولاد	صاحب الامر	مکان قبر	سامره
سبب وفات	معتمد زهر داد	ملک وقت ولادت	ملک وقت وفات	واثق باب	معتمد

في معرفة الحجة ع

الاسم	محمد	کنیت	ابو القاسم	لقب	الحجة
مکان ولادت	سر من رای	روز و شهر و سال تولد	شب جمعه ۱۵ شعبان ۲۵۵ از هجرت	مدت عمر	العلم عند الله
مدت امامت	الی ما شاء الله	پدرش	امام حسن عسکری	مادرش	نرجس بانو
عدد اولاد	والله العالم	مکان غائب	السامرة	سبب غیبت	از ترس دشمنان در سرداب غایب شده
ملک وقت ولادت	معتمد بن متوکل	ملک وقت	غیبت	معتمد	والسلام



بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین علی افضاله والصلوة علی محمد وآله اما بعد

این رساله ایست مشتمل بر صحت جمله اقوال علما و نقاوه اعمال حکما منطوی بر ده فصل و خاتمه و فصلی جامع حکمتهای مخصوص است و مسمی و ملقب است بکنوز الرموز وبالله التوفیق و بیده ازمة التحقیق

فصل اول در بیان آنچه ذهن را بیفزاید حکما گفته اند که ده چیز است که حفظ را روشن کند

اول	حلویات خوردن	دوم	عدس تناول نمودن
سیم	گوشت خوردن	چهارم	نان سرد خوردن
پنجم	آیة الکرسی خواندن	ششم	همیشه باوضو بودن
هفتم	متوجه قبله نشستن	هشتم	فرمان پدر و مادر بردن
نهم	روی علماء دیدن	دهم	شب بیداری و بطاعت حق مشغول بودن

فصل دوم در بیان آنچه فرح افزاید حکماء گفته اند که ده چیز است که فرح میآرد

اول	سوره یس خواندن	دوم	وضو ساختن
سیم	مسواک کردن	چهارم	غسل کردن
پنجم	بر اسب نشستن	ششم	با دوستان صحبت کردن
هفتم	سر تراشیدن	هشتم	موی اعضا را بر گرفتن
نهم	ناخن چیدن	دهم	نماز شب گذاردن

فصل سیم در بیان آنچه سبب پیری میشود حکما گفته اند ده چیز است که به پیری زود اثر کند

اول	مجامعت زیاد کردن	دوم	سر بگلاب شستن
سیم	شب آب خوردن	چهارم	با آستین روی را خشک کردن
پنجم	ایستاده آب خوردن	ششم	در مبرز توقف کردن
هفتم	در بیت الخلاء سخن گفتن	هشتم	در عورت خود نگاه کردن
نهم	بر رو خوابیدن	دهم	غم بسیار خوردن

فصل چهارم در بیان آنچه عمر را زیاد کند حکما گفته اند ده چیز است که بر عمر بیفزاید

اول	صدقات بسیار دادن	دوم	دعا بسیار کردن
سیم	فرمان پدر و مادر بردن	چهارم	نماز شب گذاردن
پنجم	پیش از صبح استغفار کردن	ششم	نماز بتوجه کردن
هفتم	نماز بجماعت بجا آوردن	هشتم	قرآن بسیار خواندن و معنی آنرا دانستن

نهم	یاد خدا کردن	دهم	صلوات بر حضرت رسول فرستادن
فصل پنجم در بیان آنچه غم و اندوه آورد حکما گفته‌اند که ده چیز است که تولید غم میکند			
اول	ایستاده شلوار پوشیدن	دوم	میان گوسفندان و زنان گذشتن
سوم	محاسن را بدندان گرفتن	چهارم	بر آستانه در نشستن
پنجم	بر پوست سیر و پیاز و تخم مرغ گذشتن	ششم	بزرگی کردن
هفتم	بدست چپ طعام خوردن	هشتم	باستین رو را پاک کردن
نهم	بدست راست استنجا کردن	دهم	در گورستان رفتن
فصل ششم در بیان آنچه درجات و حشمت افزاید حکما گفته‌اند ده چیز است که موجب مزید نعمت و حشمت			
اول	طاعت و عبادت کردن بسیار	دوم	تواضع و تکلف بیشمار
سوم	وفا و کرم بر قرار	چهارم	بیدار بودن در اسحار
پنجم	تسبیح کردن بالعشی والابکار	ششم	مختصر کردن در دیدن اشرار
هفتم	استغفار کردن بسیار	هشتم	نگاه داشتن اسرار
نهم	ملایمت در گفتار	دهم	تلطف بر صغار و کبار
فصل هفتم در بیان آنچه روشنائی چشم میشود علما گفته‌اند ده چیز است که روشنائی چشم بیفزاید			
اول	در مصحف نگریستن	دوم	در روی علما نگاه کردن
سوم	روی پدر و مادر دیدن	چهارم	دوستان را مشاهده کردن

پنجم	در آسمان نگاه کردن	ششم	در سبزه و آب روان نگریستن
هفتم	رو را با آب سرد شستن	هشتم	در جواهر نگریستن
نهم	مباشرت کم کردن	دهم	استنشاق بعد از خواب نمودن

فصل هشتم در بیان آنچه سبب صحت بدن است علما گفته اند که ده چیز اگر کسی بجا آرد صحیح البدن دارد

اول	کم خوردن	دوم	کم گفتن
سیم	کم خفتن	چهارم	مباشرت باعتدال کردن
پنجم	بوی خوش بکار بردن	ششم	بچیزهای نیک نگریستن
هفتم	زر و نقره بهمراه داشتن	هشتم	هر دو روز یکبار حمام رفتن
نهم	ثلث آخر شب برخواستن	دهم	استنشاق کردن و شب با وضو بودن

فصل نهم در بیان آنچه فراموشی آورد حکما گفته اند که ده چیز است که موجب نسیان شود

اول	مزاح کردن و بسیار خندیدن	دوم	بگورها را خواندن
سیم	بنامحرم نگریستن	چهارم	با زنان حائضه مباشرت کردن
پنجم	در حمام ازار خود باز کردن	ششم	ترشی بسیار خوردن
هفتم	در میان شتران خفتن	هشتم	بر سر راه اشتر قطار نشستن
نهم	زیر درخت میوه دار بول کردن	دهم	افترا و بهتان بستن
یازدهم	موی را بشانهٔ مردم شانه کردن	دوازدهم	از دیگ طعام خوردن

سیزدهم	بمسجد اب دهن و خیو انداختن	چهاردهم	مجامعت وقت حیض زن کردن
پانزدهم	گشنیز تر خوردن	شانزدهم	سیب ترش خوردن
هفدهم	نیم خورده موش خوردن	هیجدهم	در اب ایستاده بول کردن
نوزدهم	لوح قبرستان خواندن	بیستم	تمسخر بر ملا کردن
بیست و یکم	میان دو زن گذشتن	بیست و دوم	طعام بی نام خدا بسم خوردن
بیست و سیم	در جنابت نام خدا اسم بردن	بیست و چهارم	در مطلوب نگریستن
بیست و پنجم	در بازار چیز خوردن	بیست و ششم	روی بقبله بول کردن
بیست و هفتم	در جنابت طعام خوردن	بیست و هشتم	در گورستان خفتن
بیست و نهم	شب بسیار خفتن	سی ام	اب بسیار خوردن

فصل هشتم در بیان انچه سبب درویشی است حکما گفته اند سه چیز است که درویشی ارد

اول	پدر و مادر را بنام خواندن	دوم	برهنه بول کردن
سیم	نان ریزه را خوار داشتن	چهارم	شب خانه را روفتن
پنجم	بگاه دیوار خلا کردن	ششم	پوست سیر و پیاز سوختن
هفتم	پیش از بزرگتر خود راه رفتن	هشتم	دست بسبوس شستن
نهم	زود سر از سجده برداشتن	دهم	بر جا بگاه بول وضو ساختن
یازدهم	دیگ و کاسه ناشسته نهادن	دوازدهم	اب خوردن را سر کشاده نهادن

سیزدهم	سوگند بسیار خوردن	چهاردهم	خانهٔ عنکبوت پاک نکردن
پانزدهم	نان از گدایان خریدن	شانزدهم	بر مردمان لعنت کردن
هفدهم	دروغ گفتن	هیجدهم	جامه در بر خود دوختن
نوزدهم	چراغ را بدم کشیدن	بیستم	بفوطهٔ حمام اندام خود خشک کردن
بیست و یکم	در میزاب دهن انداختن	بیست و دوم	ناخن بدندان خود گرفتن
بیست و سیم	ایستاده بول کردن	بیست و چهارم	بتعجیل از مسجد بیرون رفتن
بیست و پنجم	در نماز کاهلی کردن	بیست و ششم	بیگاه ببازار رفتن
بیست و هفتم	بیگاه از بازار باز آمدن	بیست و هشتم	دستار را زیر جامه بر سر کردن
بیست و نهم	نشسته دستار پیچیدن	سی ام	ایستاده شلوار پوشیدن

خاتمه علما گفته‌اند که ده چیز است که عمر را زیاد کند و روزی را فراخ گرداند و بلا را از تن دور گرداند

اول	تعظیم امر خدا کردن	دوم	شفقت بر خلق خدا نمودن
سیم	شب زنده داشتن	چهارم	سحرگاه بتلاوت و غیره مشغول بودن
پنجم	قرآن خواندن	ششم	بمجلس علماء رفتن
هفتم	با دوستان صحبت کردن	هشتم	پیوسته با وضو بودن
نهم	جامهای پاک با غذای لطیف بکار داشتن	دهم	تواضع و خوش خلقی نمودن

اللهم وفقنا العمل بما فیه و اغفر لمؤلفه و مصححه و بانیه و کاتبه و قاریه بمحمد و آله الامجاد [illegible]

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۶	۶	اخفلاء	خفاء	۱۲	۴	الی	والی
۱۵	۱۵	نباشد	نباشند	۱۵	۱۶	نباشد	نباشند
۱۸	۱۲	محالف	مخالف	۲۴	۵	اوترکیب	ازترکیب
۳۰	۱	سواری	سوای	۳۴	۴	واینکه	اینکه
۳۷	۹	عاجزند	عاجز	۳۸	۱۰	باشد	شد
۴۳	۱۱	باشد	شد	۴۴	۱۸	واینهردوباطلست	واین باطلست
۴۹	۱۸	پیغمبران ازمتن محوشد		۵۰	۲	بشناسانند	بشناسانند
۵۱	۴	شده اند	شده است	۵۲	۱۵	وادوبه جهلکه	وادویهٔ نافعه واجتناب کردن [illegible]
۶۰	۵	وازاینستکه	وان اینستکه	۶۳	۱۱	آورند	آورند
۶۳	۱۳	آورند	آوردند	۶۴	۱۰	آورند	آورند
۶۵	۱۴	سجاجه	سجاحه	۶۶	۱۳	اخار	اخبار
۶۶	۱۴	وقبص	قصص	۶۷	۱۰	وسپر	وسپین
۶۷	۱۲	درذیر	درذبر	۷۲	۱۸	نخواهدبود	خواهدبود
۷۹	۱۲	ازدکران	ازذکرانند	۸۲	۱۶	ازایشان بیشتر	ازایشان منقطع
۸۸	۴	دراینکه	دراثبات اینکه	۸۸	۱۹	مردمارا	مردمانرا
۸۹	۱	تاکسیکه	یاکسیکه	۸۹	۱۸	باشد	باشند
۹۱	۶	بوردکتر	بزرگترم	۹۲	۱	ازالمختصرتاازمتن محوشده	
۹۲	۱۳	عباس وابوبکر پس عباس وابوبکر نکرده اند هم فرقه متفقند بر عدم عصمت عباس وابی بکر					
	۱۹	نفقه	فقه	۱۰۴	۹	بقدرت	بقدر

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۰۴	۱۷	واکذارید مرا	واکذارید مرا واکذارید مرا	۱۰۸	۴	نمیشود	نمیشد
۱۰۹	۴	خودرا ازاد	خودازاد	۱۱۲	۱۱	روشنی	درشتی
۱۱۸	۵	بتفصیل	تفصیل	۱۲۸	۴	حضرت امیررا	حضرت امیررا اورا
۱۳۱	۲	نفرازاد برداشتن	نفراز برداشتن	۱۳۲	۱۸	پیغمبر	پیغمبر خدا
۱۳۳	۸	کرابوبکر	کہ ابوبکر	۱۳۹	۳	سلمان	ازسلمان
۱۴۵	۳	بدان	بران	۱۴۸	۱۲	شکی	شکی نیست
۱۴۹	۳	۳ج ۳۲ اج	۳ج ۳۲ ج ۲	۱۵۲	۲	تونند	تولد
۱۵۴	۱۱	ملک موقت	ملک وقت	۱۵۵	۳	هرفصلیرا	وهرفصلیرا
۱۵۷	۱۴	انچه روشنائی	انچه سبب روشنائی	۱۵۷	۲	عمر	غم
۱۵۹	۴	درمطلوب	درمصلوب	۱۵۹	۷	دربازچیزخودن	دربازارچیزخودن

از قارئین متمنی است کہ رضای خدا را ملاحظه نموده پیش از مطالعه از روی غلطنامه کتاب را تصحیح نموده بعد مطالعه فرمایند

